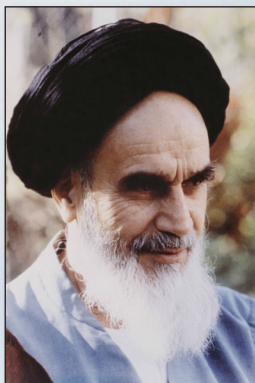


به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

نقش بسیج و بسیجیان در توسعه فرهنگ پدافند غیر عامل

دکتر غلامرضا جلالی





اگر در کشوری نوای
دلنشین تفکر بسیجی
طنین انداز شد چشم طمع
دشمنان و جهانخواران
از آن دور خواهد گردید
والا هر لحظه باید منتظر
حادثه ماند. بسیج باید مثل
گذشته و با قدرت و با
اطمینان خاطر به کار خود
ادامه دهد.

(حضرت امام خمینی
قدس سره الشریف)



افتخار خود من این
است که یک بسیجی
باشم. سعی کرده‌ام
این جوری عمل کنم.
... هر کس که بسیجی
است باید به بسیجی بودن
خود افتخار کند. بسیجی
بودن مایه سرافرازی و
سربلندی پیش پروردگار
است.

(حضرت امام خامنه‌ای
مد ظله العالی)

تهدید را کاملاً جدّی بگیرید؛ یعنی به هیچ وجه در محاسبات خودتان از جدّیت تهدید پایین نیابید، منتها تهدید جدّی معنایش حتمی نیست، هیچ حتمیّت وجود ندارد.

حضرت امام خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی

پدافند غیرعامل به عنوان نیاز اصلی و سیستم دفاعی است که خداوند متعال در خلقت بسیاری از جانداران قرار داده به طوری که بر اساس اصول اختفاء، استتار، پوشش و فریب به دفاع از خود و رفع تهاجم می پردازند. هدف از دفاع غیرعامل، استمرار فعالیت های زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمات رسانی عمومی و تسهیل اداره کشور در شرایط تهدید و بحران تجاوز خارجی و حفظ بنیه دفاعی به رغم حملات خصمانه و مخرب دشمن از طریق اجرای طرح های پدافند غیرعامل و کاستن از آسیب پذیری منابع انسانی و تجهیزات حیاتی و حساس کشور است. بسیج به عنوان یک نماد خودجوش و همیشه در صحنه نقش اساسی در سازماندهی نیروهای مخلص برای دفاع از ارزش های نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران را تا کنون داشته و دارد.

نظر به اهمیّت این موضوع تلخیصی از دو سخنرانی ارزشمند سردار دکتر جلالی ریاست محترم پدافند غیرعامل را به عزیزان بسیجی دلاور تقدیم می کنیم.

کمیته پدافند غیرعامل

وزارت آموزش و پرورش



بسیج و بسیجی در یک نگاه

مفهوم شهادت طلبی و میراث جاوید حماسه کربلا اساسی ترین الهام بخش ما در عرصه دفاع مقدس و گسترش فرهنگ بسیجی بوده است. دیروز لبیک به ندای هل من ناصر حضرت امام حسین (ع) برانگیزاننده جوانان ما در جبهه های نبرد حق علیه باطل بود و امروز شوق جهاد با یزیدیان زمان و احیای ارزش های عاشورایی و عدالت خواهی محرک بسیجیان عاشق این مرز و بوم است.

سابقه بسیج را شاید بتوان در جنگ احزاب جست و جو کرد. زمانی که پیامبر اکرم (ص) برای دفاع از تمامیت دین مبین اسلام در برابر اتحاد کافران، فرمان بسیج عمومی صادر کرد و خود نیز مانند سربازی عادی در آن امر مهم مشارکت نمود و با حفر خندق اولین طرح پدافند غیرعامل را در دنیای اسلام پی ریزی کرد. حضرت امام خمینی (ره) نیز که نبوغ بی نظیرش در فرماندهی و تشخیص برهه های حساس اثبات شده و مسلم است، وقتی مشاهده نمود سردمداران کفر جهانی کمر به نابودی انقلاب نوپای اسلامی بسته اند، با هوشمندی خارق العاده،

فرمان بسیج عمومی صادر کرد و ضمن این تصمیم راهبردی، چشم‌اندازی تحت عنوان «ارتش بیست میلیونی» را ترسیم نمود. یکی از سخنان ماندگار آن بزرگوار در وصف شجره طیبۀ بسیج این بود که: «بسیج مدرسه عشق است.»

حضرت امام خمینی (قدس سره) به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی و طراح دکترین حکومت اسلامی، نهاد «بسیج» را به عنوان یکی از ارکان موثر بنیاد انقلاب اسلامی، پایه گذاری نمود و چارچوب‌ها، مشخصه‌ها و مولفه‌های ارزشی گران‌بهای برای آن تبیین و توصیف نمودند، به گونه‌ای که این چارچوب‌ها، فراتر از تمامی چارچوب‌های ارزشی دیگری است که در کشور بنا نهاده شده‌است. تشکیل بسیج مستضعفین و ارتش بیست میلیونی به فرمان ایشان که برگرفته از هوشیاری، درایت و الهامات معنوی و بی‌نظیر آن بزرگوار داشت، از جمله اساسی‌ترین عوامل در جهت خنثی‌سازی توطئه‌ها علیه نظام اسلامی به حساب می‌آید.

وقتی به برکت دوراندیشی حضرت امام خمینی (ره)، زمینه‌ی سقوط لائۀ جاسوسی آمریکا در تهران و «انقلاب دوم» فراهم شد، بر ملا شدن ماهیت سلطه‌جو و تجاوزکارانۀ آمریکا، ضربه‌ای سخت و جبران‌ناپذیری بر تشکیلات استکباری آن وارد کرد. اسناد به‌دست آمده از لائۀ جاسوسی و اظهارات صریح حکام آمریکایی، مردم و رهبران کشور و بویژه حضرت امام (قدس سره) را با این حقیقت آشکار مواجه ساخت که احتمال مداخله و هجوم نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی وجود دارد و با توجه به کارنامۀ سیاه این کشور در جهان، لزوم آمادگی مردم برای مقابله و رویارویی را در کوتاهترین زمان ممکن امری حیاتی است. از این‌رو امام امت در پنجم آذر سال ۵۸ یعنی کمتر از یک ماه بعد از انقلاب دوم، فرمان تاریخی تشکیل بسیج را صادر فرمودند:

«یک مملکت بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد باید بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست.»

به این ترتیب، مردم مؤمن رها شده از طاغوت که دل در گرو عشق به انقلاب و هدف‌های والای آن داشتند، با اراده‌ای خلل ناپذیر برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب‌شان، گروه‌های مقاومت مردمی را در قالب پایگاه‌های بسیج تشکیل دادند و مساجد سراسر کشور به کانون این بسیج عمومی بدل شد. به عبارتی امام راحل (قدس سره) چتری برای تمامی رزمندگان و مجاهدین فی سبیل الله گشودند تا تحت لوای آن از حریم اسلام، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و انگیزش‌های ناب محمدی (صلی الله علیه و اله) دفاع کنند.



حضرت امام (قدس سره) در فرازهایی از سخنان گهربارشان چنین می‌فرمایند:
«بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه‌ی مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند.»

همچنین ایشان درباره‌ی نقش بسیج در کشور می‌فرمایند. «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند، بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و با اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.» حضرت امام (قدس سره) در فرازهای مختلف سخن‌شان، نهایت ارزش‌ها، ویژگی‌ها و کمالات انسانی را که معمولاً در وصف پیامبر گرامی (ص) و حضرت امیر (ع) بیان می‌شود را در توصیف «بسیج» و «بسیجی» بیان داشته که نشان از اهمیت این نهاد مهم و پربرکت دارد.

مقام معظم رهبری نیز حضرت امیر(ع) را به عنوان نماد بسیج و بسیجی مطرح می‌نمایند و در توصیف بسیجیان می‌فرمایند: **من به بسیجیان عزیز فعال این کشور علوی و فاطمی، عرض می‌کنم؛ امیرالمومنین علیه‌الصلاة و السلام را الگوی خودتان قرار دهید که بهترین و بزرگترین الگو برای بسیجیان مسلمان در همه‌ی عالم، علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) است...** «بسیج یعنی حضور بهترین و با نشاط‌ترین و با ایمان‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی، برای اهداف بالا، کشورشان به آن‌ها نیاز دارد، همیشه بهترین و خالص‌ترین و شرافتمندترین و پرافتخارترین انسان‌ها این خصوصیات را دارند. بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند این

حضرت امام (قدس سره) در فرازهایی از سخنان گهربارشان چنین می‌فرمایند:
«بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه‌ی مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند.»

همچنین ایشان درباره‌ی نقش بسیج در کشور می‌فرمایند: «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند، بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و با اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.» حضرت امام (قدس سره) در فرازهای مختلف سخن‌شان، نهایت ارزش‌ها، ویژگی‌ها و کمالات انسانی را که معمولاً در وصف پیامبر گرامی (ص) و حضرت امیر (ع) بیان می‌شود را در توصیف «بسیج» و «بسیجی» بیان داشته که نشان از اهمیت این نهاد مهم و پربرکت دارد.

مقام معظم رهبری نیز حضرت امیر(ع) را به عنوان نماد بسیج و بسیجی مطرح می‌نمایند و در توصیف بسیجیان می‌فرمایند: **من به بسیجیان عزیز فعال این کشور علوی و فاطمی، عرض می‌کنم؛ امیرالمومنین علیه‌الصلاة والسلام را الگوی خودتان قرار دهید که بهترین و بزرگترین الگو برای بسیجیان مسلمان در همه‌ی عالم، علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) است...** «بسیج یعنی حضور بهترین و با نشاط‌ترین و با ایمان‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی، برای اهداف بالا، کشورشان به آن‌ها نیاز دارد، همیشه بهترین و خالص‌ترین و شرافتمندترین و پرافتخارترین انسان‌ها این خصوصیات را دارند. بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند این

پرچم افتخار را بر دوش بکشند و برایش سرمایه گذاری کنند.» ... «هر کس که در دل برای سرنوشت خود، سرنوشت این ملت و آینده‌ی ایران اسلامی ارزشی قائل است. آن کسی که از تسلط قدرت‌های بیگانه بیزار است، آن کسی که برایش آینده‌ی این کشور و این ملت و آینده‌ی دنیا اسلام یک هدف بزرگ محسوب می‌شود، آن کسی که از رنج‌های ملت فلسطین دلش خون است ... آن کسی که مایل است بیش از یک میلیارد مسلمان دنیا قدرت عجیبی را تشکیل بدهند که بشریت را به سمت کمال هدایت کنند و خودشان در قله‌ی کمال قرار بگیرند، آن کسی که این احساسات و این درک‌ها را دارد و حاضر است در این راه قدمی بردارد، او بسیجی است.» ... «افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده‌ام این جواری عمل کنم.» ... «هر کس که بسیجی است باید به بسیجی بودن خود افتخار کند. بسیجی بودن، مایه سرافرازی و سربلندی پیش پروردگار است.» ... «بسیجی آن آن کسی است که در میدان عمل وارد می‌شود، تن به حادثه و موج می‌دهد.» ... چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می‌شود؟ بسیج را که در خور تشویق و تعظیم و تحسن است مورد اهانت و بی‌مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی در حفظ افتخارات ملی، در تامین منافع ملی، و بالاخره از همه در اعلاء پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند به جد با بسیج دشمنند، اما دشمنی آنها فایده‌ای ندارد.» ... انکار بسیج و بی‌احترامی به آن، یا نابخردانه است، یا خائنانه است. تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد. یعنی همیشه، چون همیشه



یا محمد الباقر



بصیرت، اخلاص، عمل

به هنگام و به اندازه

سجده

تجلی

عزیز

پوتون الزکوة



یا موسی بن جعفر

سید محمد علی

رزمایش فرهنگی، رزمی

فدائیان ولایت

احتیاج به امنیت هست، به نیروی بسیج به انگیزه بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج است.»... «اگر نبود آن همه تلاش و جهاد مخلصانه که شما رزمندگان نیروهای مسلح و بسیج مردمی در دوران جنگ هشت ساله نشان دادید و حقیقتاً اسلام را روسفید و امت رسول الله (صلی الله علیه و آله) را سربلند ساختید و اگر نبود خونهای مطهر و معطری که در راه خدا بر زمین ریخته شد؛ یقیناً امروز از نظام اسلامی اثری نبود و پرچم قرآن چنین سربلند نمی شد.»... «بسیج یک حرکت بی ریشه و سطحی و صرفاً از روی احساسات نیست، بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و اسلامی و منطبق بر نیازهای دنیای اسلام - و به طریق اولی - جامعه اسلامی است. قرآن کریم می فرماید: [هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین] ای پیامبر، خدای متعال تو را، هم به وسیله نصرت خودش و هم از طریق مؤمنین مؤید قرار داد و کمک کرد. این خیل عظیم مؤمنینی که در اینجا مورد اشاره آیهی قرآن قرار گرفته اند، عبارت دیگری است از آنچه که امروز به نام بسیج در جامعه ما قرار دارد.»

با وجود چنین تعبیری از حضرت امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری در خصوص بسیج، می توان گفت بسیجی بودن، رسالت و مدال افتخاری است بر سینه ی توفیق یافتگان راه حق. نکته قابل توجه این که نباید رسالت را با هدف اشتباه کرد، «هدف» آغاز و پایان دارد، در حالی که رسالت فرآیند مستمری است که تمام لحظه های زندگی را در بر می گیرد.

از این بیانات می توان نوعی شاخص «سقف» و «کف» را برای یک بسیجی تصور کرد. بدین معنا که امیرالمومنین علی (ع)، ائمه هدی (ع)، اولیاء، مجاهدان فی سبیل الله و رهبویان راستین وادی حق، به عنوان سقف، اوج، قله و برجستگان

بسیجی محسوب می‌شوند که همواره باید الگو باشند و افرادی مثل ما که داعیه‌ی بسیجی بودن داریم و امیدواریم در خیل مشتاقان به حساب آورده شویم، در واقع کف و سطوح حداقلی بسیج را تشکیل می‌دهیم. پس باید در فضایی معنوی و با تلاش و مجاهدت‌های بسیار، گام به گام، مراتب کمال و «بسیجی شدن» را طی نمائیم و به سمت قله‌های تعالی و کمال پیش رویم.

ممکن است برخی بگویند جایگاه امیرالمومنین (ع) بسیار رفیع است و تصور رسیدن به چنین رتبه و کمالی، خیال باطلی است. ولی امیرالمومنین (ع)، شاگردانی چون امام‌راحل (قدس سره) دارند که درس آموختگان مکتب اویند، حضرت امام نیز شاگردانی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، شهدای محراب و حماسه‌سازان عرصه جهاد و دفاع مقدس همچون شهید همت، شهید بروجردی، شهید کاوه، شهید کاظمی، شهید رضوی و ... دارد که به‌سان سربازان و بسیجیانی وفادار، در رکاب ولایت تا مرز وصال و شهادت، پایداری کردند.

این سخن حکیمانه از ابعاد گوناگون قابل تأمل است؛ مدرسه محل آموزش و امتحان است و بسیجی یک آموزنده مادام‌العمر است. او دائم در معرض امتحان‌های سخت قرار می‌گیرد و همه کتاب‌های درسی‌اش پیشوند عشق دارند: عشق به ذات اقدس پروردگار، عشق به اسلام، عشق به اهل بیت (ع)، عشق به انقلاب و عشق به ولایت و رهبری. بنابراین به فرموده مقام معظم رهبری، ملاک بسیجی بودن، کارت عضویت، لباس و آرم مخصوص، چفیه، داشتن محاسن و این قبیل نشانه‌های ظاهری نیست. بسیج محدود به یک گروه یا نهاد نمی‌شود و محدوده خاص را در بر نمی‌گیرد. بسیج یک تفکر و باور است. تفکری که ضامن بقای ارزش‌های الهی انقلاب اسلامی است. چنان که امام شهدا همواره تأکید می‌نمود: «اگر تفکر بسیجی

در این کشور سایه بیندازد، این کشور از دست اجانب مصون خواهد بود.»

ایمان، تقوا، تعهد و عشق به آرمان‌های نهضت اسلامی، برترین نشان‌های یک بسیجی است و نورانیت این نشان‌ها در روح و جان او متجلی است. با این وصف، بسیجی در چهارچوب رتبه و مقام نمی‌گنجد. بسیجی یعنی امام حسین (ع)، یعنی خمینی کبیر، یعنی رهبر جانباز انقلاب، یعنی شهیدان؛ حسین فهمیده، بهنام محمدی، محمدعلی رجایی، ابراهیم همت، علی صیادشیرازی، حسن تهرانی مقدم و تمام پاکبازانی در راه اعتلای کلمه حق هستی خویش را نثار کردند. بسیجی یعنی دانشمندان هسته‌ایِ جان بر کف، یعنی محققان نانو تکنولوژی، یعنی پژوهشگران مؤمن هوا فضا، یعنی پژوهشگران سلول‌های بنیادی، یعنی معلم انسان ساز، یعنی نویسنده و شاعر فهیم و اندیشمند، یعنی دانش آموز پر کار، یعنی پزشک متبحر، یعنی استاد راهنما، یعنی کارگر و کارمند پرتلاش، یعنی مسلمان پاینده به تعلیم توحیدی اسلام و انقلاب.

این تعریف که منعکس کننده ارزش‌ها و توانمندی‌های ذاتی بسیج است، دلالت بر وظیفه سنگین آن دارد. وظیفه صیانت و دفاع همه‌جانبه از انقلاب اسلامی در برابر تمامی تهدیدهای سخت و نرم.

حوزه فعالیت بسیج

کارکرد بسیج فقط به حوزه نظامی محدود نمی‌شود و بسی فراتر از یک نیروی مسلح در کنار سایر قوای مسلح ارتش و سپاه است. بسیج به سان سلول‌های سفید خون، در تمام پیکره نظام اسلامی حضوری فعال دارد و برای مقابله با هر نوع تهدیدی آماده است. برخی از وظایفی که رهبر معظم انقلاب برای یک بسیجی بر شمرده‌اند، چنین است:

بسیجی یعنی دشمن شناس، یعنی کسی که تهدیدات زمان خودش را می‌شناسد، نیرنگ‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی دشمن‌اش را می‌شناسد. بسیجی غافل از دشمن نیست. بلکه توجه به این مسئله از ویژگی‌های اوست. بسیجی گوش به فرمان و رهرو رهبری است و در هر صحنه‌ای که لازم باشد حضور پیدا می‌کند. بسیجی یعنی حاضر در میدان خطر‌ها. یعنی خط‌شکنی و عبور از بن‌بست‌ها. هرگاه مشکل و بحرانی در کشور ایجاد شود، اعم از نظامی، اجتماعی، علمی و... پیش قدم می‌شود و برای حل آن چاره‌اندیشی می‌کند. بسیج یعنی خودباوری و اتکا به خود. بسیج یعنی عینیت بخشیدن به این سخن امام راحل که فرمود: «ما می‌توانیم.»

تهدیدهای غیرعامل

همواره باید دشمنان و تهدیدات آن‌ها را رصد کنیم و تحرکات‌شان را زیر نظر داشته باشیم. نوع تهدیدات دشمنان همیشه سیال و در حال دگرگونی و پوست‌اندازی است. دائم تغییر چهره می‌دهد و از حوزه‌ای به حوزه دیگر جابه‌جا می‌شود. ما امروز در یکی از نقاط عطف این تغییر ماهیت و چرخش هستیم. حدود نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم - که البته جنگ بین زورگویان بود و بیهوده پای جهانیان را به میان کشیده بودند - نوعی ثبات نسبی در دنیا برقرار بود. بین دو قطب حاکم جنگ سرد حاکم بود و رویارویی‌شان معمولاً از نشان دادن جنگ و دندان فراتر نمی‌رفت. جنگ گرمی هم اگر بود بین اقمار آن‌ها بود که به نیابت از ارباب به جان هم می‌افتادند. یک طرف جنگ‌ها معمولاً آمریکا بود و طرف

دیگرش شوروی (سابق). اما از حدود سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد، ماهیت و شکل تهدیدها به آرامی متحول شد و متناسب با دستاوردهای جدید و پیشرفت در عرصه علوم و فناوری رنگ عوض کرد. به این ترتیب که محور تهدیدها از حوزه نظامی به حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات منتقل گردید.

در گذشته جنس تهدیدها از نوع استراتژیک و جغرافیایی بود. به طور مثال حد مرزی اروندرود محل مناقشه می شد و کار به درگیری برای تصرف یک منطقه جغرافیایی می کشید. اما اکنون گسترش فناوری های نوین بسترساز تهدیدها و تعرضات گسترده تر و البته نامحسوس تری شده است.

به عنوان نمونه، فناوری ماهواره و شناسایی از راه دور این امکان را برای صاحبان آن ها فراهم کرده است تا با گشاده دستی زیاد در امور دیگر ملتها مداخله کنند و نوعی استیلای اطلاعاتی بر سایر کشورها داشته باشند. این امر موجب نابرابری در فرصت ها و تهدیدها گردیده است. تقریباً مانند کسی که از پشت یک پنجره مجهز به شیشه رفleks به عابران یک خیابان شلوغ می نگرد. همه را زیر نظر دارد اما هیچ کس متوجه حضور او نیست!

امروز هدف تهدیدها کشور گشایی و تصرف سرزمین نیست. بلکه تسلط به صاحبان سرزمین ها و به بردگی گرفتن آنهاست. برای چاپیدن ده هیچ چیز مثل در اختیار گرفتن کدخدا نیست. به جای حمله نظامی، می کوشند نظام سیاسی کشورها را تغییر دهند و دست نشانده خود کنند. برای این کار نیز روش های کلیشه ای و مشخصی دارند که کم کم دارد نخ نما می شود و دست شان نزد ملتها رو شده است. همان طور که در جنگ های کلاسیک، تهاجم معمولاً با یورش هوایی یا آتش تهیه آغاز می شود، در حملات نوین نیز کار را با بمباران اطلاعاتی و اشاعه اخبار دروغ و

شایعه شروع می‌کنند. مثلاً گوش دنیا را کر می‌کنند که عراق مجهز به سلاح‌های کشتار جمعی است. یا باید هر چه دارد رو کند یا منتظر حمله شود! کسی هم نمی‌پرسد صرف داشتن سلاح، اساساً می‌تواند بهانه تعرض به تمامیت ارضی یک کشور باشد یا نه؟ یکی دیگر از شگردهای شناخته شده آن‌ها ایجاد فاصله بین مردم و حاکمان‌شان است. زیرا از تجربه‌های تلخ ویتنام، افغانستان و سایر اهداف‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مستحکم بین مردم و حکومت می‌تواند علاوه بر تحمیل هزینه و تلفات سنگین، ناکامی به بار آورد و به شکست انجامد.

بر کسی پوشیده نیست که امروز سینمای هالیوود، تمام و کمال در خدمت سیاست‌های تجاوزگرانه آمریکا است. وقتی بخواهند با یک ملت یا جریان فکری درافتند، قبل از هر چیز تعدادی فیلم در ضدیت با هدف مورد نظرشان روانه بازار می‌کنند و بستر لازم را برای انحراف و اقناع افکار عمومی ایجاد می‌کنند که فیلم‌هایی مثل «۳۰۰» از آن جمله‌اند.



همچنین تخصیص بودجهٔ براندازی و راهاندازی انواع شبکه‌های ماهواره‌ای و حتی ارائهٔ بازی‌های رایانه‌ای که با هدف ایجاد کلیشه‌های ذهنی و تخریب باورها طراحی و ساخته می‌شوند، بخش‌هایی از تمهیدات گستردهٔ دشمن برای رویارویی با ملت بزرگ ایران و اشاعهٔ اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی هستند.

این تغییر رویکرد دشمن از عملیات نظامی به جنگ روانی، در سند چشم‌انداز توسعهٔ کشور نیز مورد توجه قرار گرفته و برای مقابله با آن تمهیدات لازم پیش‌بینی گردیده است. وقتی تهدیدات این‌گونه چرخش می‌کنند و به اصطلاح غیر عامل می‌شوند، لازم است شیوهٔ دفاع و پدافند نیز غیر عامل شود و متحول گردد. همان‌طور که «آموزش و پرورش مهم‌تر از آن است که تنها به یک وزارتخانه محول گردد»، مسئلهٔ دفاع نیز مهم‌تر از آن است که فقط به نیروی‌های نظامی واگذار شود. همهٔ نهادها و سازمان‌هایی که بخشی از پیکرهٔ نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند، وظیفه دارند حتی‌المقدور در حوزهٔ دفاع مشارکت کنند و به اصطلاح دُنگ خود را بپردازند؛ وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با فرهنگ‌سازی و تقویت هویت دینی و ملی بین جوانان و آینده‌سازان میهن اسلامی، نقش بازدارندگی ایفا کند. وزارت علوم با توسعهٔ پژوهش‌های راهبردی و حمایت از نخبگان و دانشمندان می‌تواند در تقویت بنیهٔ دفاعی نقش‌آفرینی کند. وزارت دفاع می‌تواند با تقویت تجهیزات دفاعی کشور بازدارندگی ایجاد کند ... رسانه‌ها و در رأس آن‌ها سازمان صدا و سیما با تدارک برنامه‌های هوشمندانه می‌توانند خط مقدم دفاعی ما در برابر تهدیدات نرم باشد و با دشمن‌شناسی و افشا کردن ابعاد خصومت و ترفندهای زیرکانهٔ آن‌ها، مصون‌سازی نمایند و اتحاد جامعه را در برابر جنگ روانی دشمن و ویروس تفرقه‌افکنی و شایعه‌واکسینه‌کنند.

اسب‌های الکترونیکی تروا

شاید داستان اسب چوبی تروا را شنیده باشید که در آن تعدادی از سربازان دشمن درون یک اسب چوبی پنهان شدند و دشمن با به جا گذاشتن آن اسب، ظاهراً عقب نشینی کرد. سربازان شهر تروا خوشحال از عقب‌نشینی دشمن، اسب چوبی را داخل قلعه خود بردند. غافل از این که کلید شکست خود را وارد استحکامات خود کرده‌اند. واقعیت این است که امروز به طور ناخواسته لشکری از این اسب‌های چوبی را در میان خود داریم. اغلب ایمیل‌های ما و آن‌چه از این طریق مبادله می‌کنیم از طریق سایت‌هایی مثل گوگل و یاهو است. این نامه‌ها حتی برای ارسال از این سوی خیابان به آن سو باید مثلاً تا آمریکا یا کانادا بروند و برگردند. چون زیرساخت‌ها در اختیار آن‌هاست. بسیاری از نرم‌افزارهای مورد استفاده ما قابلیت جاسوسی و تخلیه اطلاعاتی دارند و می‌توانند از طریق اینترنت در سامانه‌های ارتباطی و امنیتی اختلال ایجاد کنند. بویژه در سال‌های اخیر شاهد تلاش جدی دشمنان در نفوذ و دستبرد سایبری به تأسیسات هسته‌ای و ساختارهای اقتصادی و امنیتی بوده‌ایم. در چنین وضعی وظیفه وزارت ارتباطات فقط ارائه خدمات به مشترکان تلفن نیست، بلکه باید در محدوده توانمندی‌هایش مأموریت‌های دفاعی ویژه‌ای را تعریف و پیگیری نماید. باید سپر دفاع اطلاعاتی خود را روز به روز تقویت نماید و از اسب‌های الکترونیکی تروا غافل نباشد. در انجام این مأموریت خطیر نیاز به بسیج همگانی احساس می‌شود. بدیهی است که باید بین تمام نهادهای اجتماعی تقسیم وظایف صورت گیرد. آموزش و پرورش باید فرزندان ما را با مفهوم دفاع سایبری و اهمیت آن آشنا کند. دانشگاه‌ها باید بخشی از پروژه‌های تحقیقاتی خود را

به این موضوع مهم اختصاص دهند. رسانه‌ها بویژه صدا و سیما باید با اطلاع‌رسانی مؤثر، آگاهی لازم را برای مردم فراهم کند و همین طور الی آخر.

پدافند غیر عامل

رهبر فرزانه انقلاب با فهم عمیق و ارزیابی هوشمندانه‌ای که از اهمیت موضوع داشتند، در اسفند ماه ۱۳۸۹ سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را در خصوص پدافند غیر عامل مشخص و به قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح ابلاغ فرمودند که شامل ۱۳ بند بود:

۱- تأکید بر پدافند غیر عامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.

۲- رعایت اصول و ضوابط پدافند غیر عامل از قبیل انتخاب عرصه ایمن، پراکنده سازی یا تجمع حسب مورد، حساسیت زدایی، اختفاء، استتار، فریب دشمن و ایمن سازی نسبت به مراکز جمعیتی و حائز اهمیت بویژه در طرح‌های آمایش سرزمینی و طرح‌های توسعه آینده کشور.

۳- طبقه بندی مراکز، اماکن و تاسیسات حائز اهمیت به حیاتی، حساس و مهم و روزآمد کردن آن در صورت لزوم.

۴- تهیه و اجرای طرح‌های پدافند غیر عامل (با رعایت اصل هزینه - فایده) در مورد مراکز، اماکن و تاسیسات حائز اهمیت (نظامی و غیرنظامی) موجود و در دست اجراء بر اساس اولویت بندی و امکانات حداکثر تا پایان برنامه ششم و تامین

اعتبار مورد نیاز.

۵- تهیه طرح جامع پدافند غیرعامل در برابر سلاحهای غیرمتعارف نظیر هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی.

۶- دو یا چندمنظوره کردن مستحذات، تاسیسات و شبکه های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره گیری پدافندی از طرحهای عمرانی و بویژه در مناطق مرزی و حساس کشور.

۷- فرهنگ سازی و آموزش عمومی در زمینه به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پیشبینی مواد درسی در سطوح مختلف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل.

۸- رعایت طبقه بندی اطلاعات طرحهای پدافند غیرعامل.

۹- ممانعت از ایجاد تاسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن اینگونه تاسیسات از شهرها و پیشبینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تاسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تاسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم.

۱۰- حمایت لازم از توسعه فناوری و صنایع مرتبط مورد نیاز کشور در پدافند غیرعامل با تاکید بر طراحی و تولید داخلی.

۱۱- به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدات نرم-افزاری و الکترونیکی و سایر تهدیدات جدید دشمن به منظور حفظ و صیانت شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مخابراتی و رایانه‌ای.

۱۲- پیشبینی سازوکار لازم برای تهیه طرحهای مشترک ایمنسازی و ایجاد هماهنگی در سایر طرحها و برنامه‌ها و مدیریت نهادهای مسئول، در دو حوزه پدافند

غیرعامل و حوادث غیرمترقبه در جهت هم‌افزایی و کاهش هزینه‌ها.

۱۳- ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آن‌ها.

همان‌طور که می‌بینیم، فرهنگ سازی و توسعه تحقیقات از تأکیدات مهم این ابلاغیه است. در نگاه ایشان پدافند غیر عامل عبارت است از؛ کلیه اقدامات و تدابیر غیر مسلحانه که کاهش آسیب‌پذیری، افزایش پایداری، ایجاد بازدارندگی دفاعی، تسهیل مدیریت بحران و تداوم کارکرد بخش‌های حیاتی کشور در برابر تهدیدات نظامی دشمن را موجب شود.

این عبارت کلیدی در واقع شاخص ارزیابی تمام جهت‌گیری‌ها و اقداماتی است که می‌تواند در این باره صورت گیرد. به طور مثال اگر قرار باشد در خصوص پدافند غیرعامل برنامه و متون درسی تهیه کنیم. باید با این اصول کلی مطابقت داشته باشد. یعنی متن مذکور طوری طراحی و تدریس گردد که در راستای کاهش آسیب‌پذیری کشور، تقویت فرهنگ پایداری، ایجاد بازدارندگی و غیره باشد. یا در دانشگاه‌ها فرایند آموزش به گونه‌ای باشد که به خودکم‌بینی و غرب‌زدگی دامن نزنند. بلکه بلعکس روحیه خودباوری، توکل و اتکا به نفس را در دانشجویان ارتقا دهد.

بسیج در آموزش و پرورش

ما در نظام آموزش و پرورش حدود ۱۲ میلیون دانش آموز داریم. موضوع پدافند غیرعامل در ارتباط با این سرمایه عظیم انسانی از دو جهت قابل پیگیری است. یکی حفاظت فیزیکی آن‌ها در هنگام بروز بحران‌های احتمالی و دیگری آموزش و آماده

سازی به موقع آن‌ها برای مواجهه با مصون‌سازی در برابر تهدیدات نرم و سخت. این ۱۲ میلیون انسان به طور تمام وقت یا پاره وقت در اختیار آموزش و پرورش هستند. اگر اتفاقی از قبیل اقدام تروریستی یا جنگ روی دهد، مسئولیت آموزش و پرورش قبل از هرچیز کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها و هدایت‌شان به خانه‌های خودشان است. مدارس بسیاری هستند که در جوار یا نزدیکی تأسیسات حساس نظامی یا صنعتی قرار دارند و به دلیل این همجواری در برابر تهاجم دشمن آسیب‌پذیر هستند. ضرورت دارد آموزش و پرورش برنامه مدون و تمرین شده‌ای برای مدیریت بحران داشته باشد تا آسیب‌پذیری معلمان و دانش‌آموزان را به حداقل برساند. یا حتی این نیروی انسانی عظیم را طوری آموزش دهد که بتوانند در روز مبادا نقش امدادی مؤثری ایفا کنند.

خوشبختانه طرح پدافند غیر عامل در مدارس پیشرفت خوبی داشته و کتاب‌ها و دستورالعمل‌های لازم تدارک دیده شده است. کتاب برای آموزش و دستورالعمل برای راه کارهای عملی و تمرین محتوای آن‌ها. اکنون برای اجرایی کردن بهینه طرح و بالا بردن سطح ایمن سازی لازم است از ظرفیت بسیج در آموزش و پرورش کمک بگیریم.

و اما مسئولیت دیگر آموزش و پرورش که نسبت به حفاظت فیزیکی از اهمیت بیشتری برخوردار است. یعنی «فرهنگ سازی و آموزش». در همه دنیا محور فعالیت‌های فرهنگ سازی بر عهده آموزش و پرورش است و سایر نهادهای اجتماعی و رسانه‌ها نقش پشتیبانی کننده دارند. حتی در زمینه‌هایی مانند ارتقای فرهنگی ترافیک و

مهارت‌های شهروندی، چشم‌مدیران ارشد کشورها به آموزش و پرورش خودشان است. اگر جامعه را به برکه‌ای تشبیه کنیم که از یک طرف پر و از سوی دیگر خالی می‌شود و به‌طور مستمر در حال نو شدن است، بدیهی است که آموزش و پرورش در مبدأ ورودی این برکه قرار دارد. از این رو مأموریتش بسیار جدی است. مأموریت انسان‌سازی و «تربیت انسان بسیجی». شاید تحقق چنین امری در نگاه اول دشوار جلوه کند. اما کاملاً دست‌یافتنی است. برای مثال خوب است به کشور کره شمالی توجه کنیم. البته وضعیت آن جانی نمی‌تواند الگوی ما باشد و کشوری با مرام کمونیستی که حاکمانش آن را به پادگان تبدیل کرده‌اند اصولاً قابل تطبیق و مقایسه با نظام توحیدی میهن عزیزمان نیست. اما در اجرای برخی برنامه‌ها موفقیت‌های غیرقابل انکاری داشته‌اند و آموزش و پرورش آن‌ها در تحقق آن برنامه‌ها بویژه در زمینه پدافند غیرعامل نقش عمده‌ای داشته است. یعنی صرف‌نظر از ضعف‌هایی که در ساختار حکومت متوجه آن‌هاست، در زمینه فرهنگ‌سازی و ایجاد انضباط اجتماعی به خوبی از ظرفیت عظیم آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها بهره برده‌اند.

کوتاه سخن این که بهترین راه پیش‌روی ما به فرموده حضرت امام خمینی (ره) گسترش تفکر بسیجی است. باید در مفهوم عمیق این سخن بیشتر تأمل کنیم و مصادیق آن را واکاوی نماییم. بی‌شک تقویت خودباوری و گسترش مفهوم «ما می‌توانیم» همواره از دغدغه‌های آن بزرگوار بود. بسیار مهم است که دانش‌آموزان ما به این خودباوری برسند و به توانمندی‌های شگرف خود ایمان داشته باشند. بپذیرند که هیچ عاملی نمی‌تواند مانع رشد یک انسان بال‌انگیزه و هدف‌مند باشد. جوامع بسیاری مفهوم «ما می‌توانیم» را عمیقاً تجربه کرده‌اند. ایستادگی ویتنامی‌ها در برابر تجاوزات آمریکا، مقاومت افغان‌ها در برخورد با دو ابر قدرت شرق و غرب

و حماسه سازی مردم غزه و لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم غاصب صهیونیستی از جمله این تجربه‌های موفق است و برای ما نیز می‌تواند در خور توجه باشد. نکته‌ی اساسی در امور دفاعی اعم از نظامی، بیولوژیکی و نرم‌افزاری این است که بدانیم صاحبان آن چنگ‌و دندان‌های تیز از اندام‌های ظریف و آسیب‌پذیری نیز برخوردارند. با شناخت آن ضعف‌ها و نقاط قوت خودمان باید در بازدارندگی به جایی برسیم که آمریکا و رژیم صهیونیستی فکر تعدی و تهدید این مرزوبوم را هم نکنند. وقتی دشمن احساس کند با پیکره‌ی عظیم و منسجم ملتی روبه‌روست که در آن، خانواده‌ها و آحاد جامعه توانمندی‌های لازم را برای غلبه بر شرایط بحرانی کسب کرده‌اند و از هر جهت آمادگی دفاع از خویش را دارند، یقیناً مأیوس خواهد شد. هیچ متجاوزی هر قدر هم که دیوانه باشد، حاضر نخواهد بود خود را به هلاکت افکند. بنابر این تأکید بر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که؛ اساس بازدارندگی ما در کنار تقویت بنیه‌ی نظامی و تجهیز قوای مسلح، باید بر بهبود مستمر شیوه‌های بسیج عمومی و پدافند غیر عامل استوار باشد. حتی در یک نزاع معمولی، فقط توان ضربه زدن به حریف نیست که موجب غلبه بر او می‌شود، بلکه قابلیت «جا خالی دادن» و مهارت اجتناب از ضربات او نقش بیشتری در پیروزی دارد.

دفاع همه جانبه

«دفاع همه جانبه» تعبیر خاصی است که حضرت امام (قدس سره) در یکی از پیام‌های خود بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بیان نمود و برای اولین بار به عنوان یک ماموریت خطیر برای مدیران و مسئولین نظامی اسلامی ایران مطرح فرمود. مقوله استراتژی دفاع همه جانبه در نظر حضرت امام در برگیرنده گسترده مفهومی کلانی

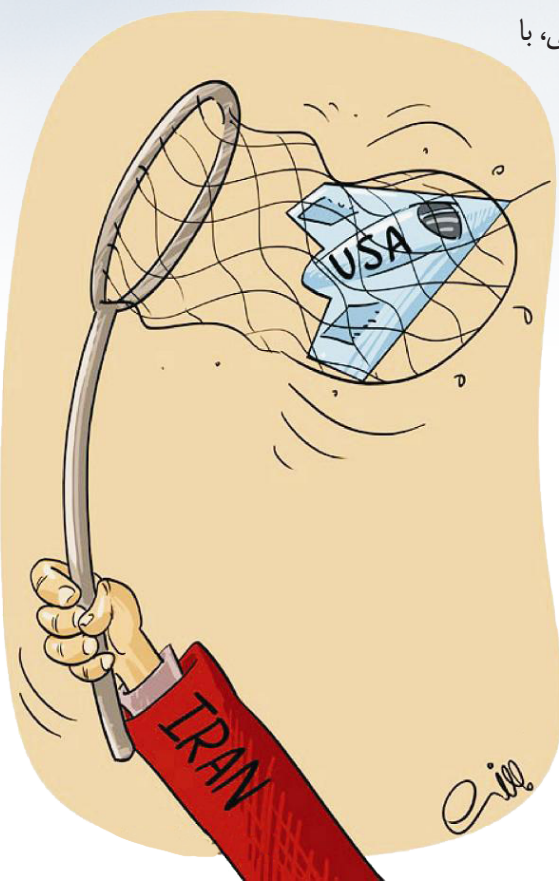
است که در عین حال قابل تفکیک به اجزا متفاوت است، اما مرتبط و متعادل با یکدیگرند. نگاه کلان نگر حضرت امام (قدس سره) در عرصه دفاعی، در کنار پرداختن به ظرایف خاص، اشاره به برداشتنی همه جانبه دارد. خصوصیات بسیج باعث شده این نهاد، جایگاه بخصوصی در اندیشه های دفاعی حضرت امام (قدس سره) داشته باشد. این مهم در پیوند و امتزاج مفهومی با اصول حاکم بر اندیشه های فقهی و سیاسی حضرت امام (قدس سره، بویژه اصول اسلام محوری، خداجویی، سلوک و عرفان گرایی، به بهترین نحو ترسیم کننده فضای کلی انتظارات ایشان از بسیج، به عنوان «پیشگامان رهایی» و سطح توقعات حضرت امام (قدس سره) از مسئولین نظام سیاسی نسبت به این نهاد و در نهایت نوع تحلیل ایشان از سرنوشت محتومی است که حاصل غفلت و کوتاهی نسبت به این نهاد خواهد بود. این امر مهم پس از ایشان، به انحأ مختلف توسط مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «محور دفاع از انقلاب، همین آحاد عظیم میلیونی بسیج هستند...» «بسیج یعنی نیروی کارآمد کشور برای همه ی میدان ها...» «عظیم ترین و ماندگارترین یادگار [امام عزیز و عظیم القدر ما] همین بسیج مردمی است که در همه جا حضور دارد...» «بسیجی یعنی دل با ایمان، مغز متفکر - دارای آمادگی برای همه ی میدان هایی که وظیفه، این انسان را به آن میدان ها فرا می خواند، این معنای بسیجی است...» «بسیج عبارت است از مجموعه ای که در آنها پاک ترین انسانها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده اند... مجموعه ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطر جمع می کند...» «به شما بسیجیان که با مبارزات خویش، روی ابرقدرت ها را سیاه کردید، درود می فرستم و در مقابل صبر

و استقامت تان خاضع و خاشع ... اگر بنبند استخوان های مان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه ی کفر و شرک را امضا نمی کنیم.»

رسالت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش، دفاع مسلحانه است. ولی رسالت بسیج، دفاع همه جانبه است. به این معنا که سایر افراد و سازمان ها معمولاً هر کدام در حوزه های مسئولیتی و مأموریتی خاصی فعالیت می کنند ولی بسیج، در تمامی حوزه ها نقش آفرین است.

دشمنان نظام اسلامی، با

تحمیل جنگ به ایران، ریشه کنی انقلاب را دنبال می کردند ولی حضرت امام (قدس سره)، با الهامات معنوی و به برکت نگاه و استراتژی اسلامی، جنگ تحمیلی را به فرصت تبدیل کرد و چنین فرصتی، بسیج را به صحنه ی بروز و ظهور رساند. فرهنگ و عملکرد بسیج و



بسیجیان در طول دفاع مقدس، آن گونه بود که صحنه‌ی تهدید جبهه و جنگ را که در ظاهر صحنه‌ای خشک، خشن و خشونت‌زاست، به میدان نمایش رشادت‌ها، شهامت‌ها، سلوک عارفانه، جذابیت‌ها و زیبایی‌ها تبدیل کرد.

جنگ‌ها معمولاً محل کشتار، خونریزی، خدعه، پلیدی، پلشتی و زشتی‌هاست، ولی بسیجیان با ورود به دانشگاه جنگ و جهاد و با نگاه به قلعه‌ها، ویژگی‌های بسیار برجسته و نیکویی از خود بر جای گذاشتند. آن‌ها خوبی‌ها، ایثارها، مردانگی‌ها، فداکاری‌ها، شجاعت‌های بی‌شماری را تجربه و ترویج نمودند و گام به گام در مسیر حق، پیش رفتند و و آن گونه پرورش یافتند که در مقابل خیل دشمنان، جذاب‌ترین جلوه‌های مقاومت و ایثار را از خود به یادگار گذاشتند.

در دوران دفاع مقدس، نیروهای نظامی و غیرنظامی در هر لباس و عنوان و شغلی که بودند، تحت لوای عنوان بزرگتری به نام «بسیج» قرار گرفتند و از آبشخور فرهنگ و معنویت آن، خود را سیراب نمودند و بهره‌های روحانی فراوان بردند و این مسئله دلالت بر کادرسازی نیرویی داشت که اساس آن را حضرت امام (قدس سره) در مقطع اولیه‌ی انقلاب پی‌ریزی نمود.

در ادبیات نظامی «دفاع»، به تدابیری گفته می‌شود که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری توسط یک یا چند کشور اتخاذ می‌شود. به عبارتی، دفاع عکس‌العمل در برابر «حمله» است. پس وقتی گفته می‌شود: «دفاع همه‌جانبه»، منظور شناخت هر گونه تهدید یا جنگ همه‌جانبه بر علیه منافع ملی کشور و آمادگی مقابله با آن است. چنان‌که مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا فرموده‌اند: «هر جا وظیفه‌ای باشد، انسان بسیجی در میدان آن وظیفه، حاضر است.»

ضرورت و اهمیت تهدیدشناسی

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که کشور با چه نوع تهدیدهایی مواجه است؟ ویژگی‌ها و جنس آن‌ها چیست؟ ابعاد آن‌ها کدام است؟ چه ماهیت و محتوایی دارند؟ کدام حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ شدت و قدرت آن‌ها چقدر است؟ زمان و برد آن‌ها چقدر است؟ ضریب آسیب‌زایی آن‌ها چه میزان است؟ و ... بدیهی است تهدیدات مختلف، ویژگی‌های متفاوتی دارند، گاهی نظامی و گاهی غیرنظامی هستند. به عنوان مثال پس از جنگ تحمیلی، چهره‌ی تهدیدات و رنگ و ویژگی‌های آن‌ها تغییر کرد و حوزه‌های دیگری از جمله حوزه‌ی فرهنگی را در بر گرفت که مقام معظم رهبری از آن تعبیر به «تهاجم فرهنگی» نمودند:

«من یک وقت گفتم که فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی چیست. تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بیهوشمان میکنند، یا مستمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا این‌ها با هم فرق ندارند؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آن‌چه را که خودش می‌خواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.»

در دوره‌ای نیز تهدیدات دشمن، اقتصاد کشور را نشانه گرفت و استکبار جهانی تلاش کرد با حمایت و پشتیبانی نهادهای سازمان‌های بین‌المللی و تطمیع آن‌ها، با اعمال «تحریم اقتصادی» موج الهام بخش انقلاب اسلامی را متوقف کند. تحریم اقتصادی در واقع نوعی ابزار سیاست خارجی است که اغلب به عنوان جایگزین جنگ تلقی می‌شود. مقصود از مناسبات اقتصادی نیز همه انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی است. تحریم‌های اقتصادی را عموماً دو نوع هستند: نوع اول، تحریم تجاری است که در آن صادرات و واردات به کشور هدف، محدود یا قطع می‌شود. نوع دوم اعمال محدودیت‌ها، یا قطع مناسبات مالی است که از نظر فراگیری به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱- تحریم‌های یک جانبه

۲- تحریم از سوی چند کشور

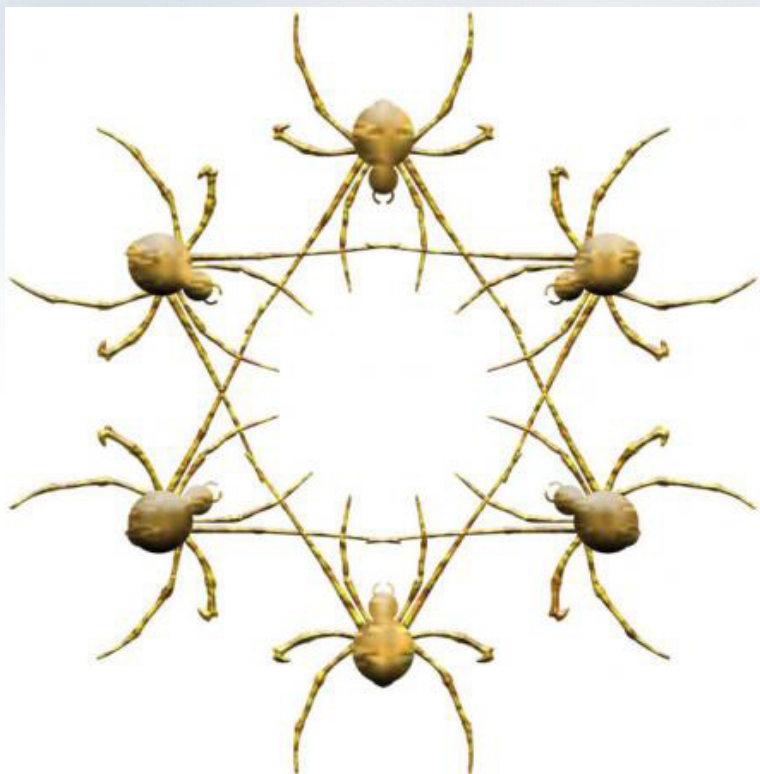
۳- تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد

این تحریم‌ها معمولاً دو هدف عمده را پیگیری می‌کنند: اول، بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف و تغییر آن است که ناشی از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم کننده و کشور هدف می‌باشد.

دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف. این نوع تحریم ملایم‌تر از نوع اول است

البته امروز تهدیدات دشمن، علاوه بر حوزه‌های مذکور، حوزه‌ی علمی و دانشی کشور را نیز در بر گرفته است و چنان که مقام معظم رهبری اشاره کرده‌اند، ابعاد آن بیش از پیش گسترش یافته است: «من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می‌کنم: اول جنگ روانی، دوم جنگ اقتصادی و

سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. «...» تولید علم یعنی رفتن از راههایی که به نظر، راههای نارفته است. البته این به آن معنا نیست که ما راههایی را که دیگران رفته‌اند، نرویم و به تجربه‌های دیگران بی‌اعتنایی کنیم؛ بلکه به این معنا است که به فکر باشیم. در این دنیای عظیم و در این طبیعت بزرگ، ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد که دانش پیشرفته‌ی امروز هنوز به آنها دست نیافته است. ناشناخته‌ها بسیار فراوان است و به گمان زیاد به مراتب بیشتر از چیزهایی است که بشر تاکنون به آنها دست یافته است. باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها



باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم می دانم مغز و فکر ایرانی آن را دارد، به کار بیندازیم. راههای میان بر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزهای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. همه‌ی رشته‌های علوم باید به این صورت در بیاید. ما باید این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم.»

به این ترتیب روشن می‌شود که پژوهش، یکی از جبهه‌های جدید جنگ است. حوزه‌ای که مقام معظم رهبری بسیجی‌ها و اصحاب دانش را دعوت به ورود در آن نموده است. از این رو هر کس به میزان توان، بضاعت و استطاعتی که دارد باید وارد این میدان و معرکه‌ی نبرد علمی با دشمن شود. به عقیده‌ی بسیاری از استراتژیست‌ها ؛ «ثروت و قدرت» زائیده‌ی علم و دانش است. ثروت، پول، سرمایه و نیز قدرت یک کشور (اعم از قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ...) محصول تولید دانش است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند: «زورگویان متکی به قدرت‌شان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته‌ی از دانش آنهاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد. من یک وقتی این حدیث را خوانده‌ام: «العلم سلطان»؛ علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش یک اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند. ... «یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند... دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد.» ... «چند سال پیش، اول بار در دانشگاه امیرکبیر، مسأله جنبش

نرم‌افزاری را مطرح کردم و آن یعنی این که در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید ... جنبش نرم‌افزاری، یعنی در معرفت علم؛ ننشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، بر روبنایی که دیگران ساخته‌اند، بنا بساز، این هدف ما بود. عده‌ای می‌گفتند ما نمی‌فهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ای سخنان یأس آفرین می‌زنند: مگر می‌توانیم؟ بله، می‌توانیم. ما در میدان‌های گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا می‌توانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشد، این در همه زمینه‌ها کاملاً امکان‌پذیر است.»

به همین دلیل در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به «پیشرفت دانش‌پایه» یعنی پیشرفتی که براساس تولید دانش می‌باشد تصریح شده‌است. از جمله شاخص‌های جمهوری اسلامی در سند چشم‌انداز، رسیدن به رتبه‌ی اول علمی در منطقه‌است. این جهت‌گیری کلانی است که مقام‌معظم رهبری به عنوان سکاندار انقلاب، برای حرکت کشور تا سال ۱۴۰۴ تبیین نموده‌اند و این مهم، توجه و تلاش بسیاری را می‌طلبد.

بنابراین با دانش باید بتوان تولید ثروت و با ثروت، تولید قدرت، در حوزه‌های مختلف نظامی و غیر نظامی نمود و این موضوع به میزان زیادی تابع زیرساخت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور است. دشمنی همچون آمریکا، که تهاجم و مخالفت با ایران را در سر می‌پروراند، بخش زیادی از جنگ و مقاومت خود را در صحنه‌هایی بکار می‌گیرد که ایران اسلامی، صاحب قدرت نشود به همین دلیل برای دور نمودن ایران از منابع تولید قدرت، تلاش

می‌کند زمینه‌های دستیابی ایران به تولید علم و فناوری ناب را از بین ببرد. آن‌ها در این راه از هیچ نوع خشونت و خباثتی فروگذار نیستند و از همین رو ترور دانشمندان پیشرو و مؤثر ما را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

دستاوردهای مهم

اگر امروز کشوری بتواند قدرت خود را در حوزه‌ی فناوری لیزر^۱، به اندازه‌ای توسعه دهد که قادر باشد از زمین به واسطه‌ی لیزر با ماهواره ارتباط برقرار کند و در بستر لیزر «دیتا» منتقل نماید، در این صورت به حوزه‌های نوینی از تولید علم دست یافته است و امروز ایران اسلامی بحمدالله در چنین حوزه‌های ورود پیدا کرده است. دستیابی به چنین تحولی به معنای انقلابی بزرگ در حوزه‌ی صنعت در دنیا می‌باشد که حوزه فناوری، اطلاعات، امواج، جنگ الکترونیک و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برتری دشمن را در حوزه‌ی جنگ الکترونیک خنثی و بی‌ثمر می‌سازد و بدین سان می‌تواند قدرت نظامی فوق‌العاده‌ای تولید نماید. این مثال از باب نمونه بود و گرنه حوزه‌های بسیار زیادی وجود دارد که ورود به آن‌ها می‌تواند موجب تولید فناوری و دانش‌های برتری‌ساز شود و رتبه و شاخص‌های علمی کشور را در سطح دنیا ارتقاء بخشد. بنابراین دشمن علاقه دارد که ایران اسلامی در چنین حوزه‌هایی وارد نشود یا رشد نکند، به همین دلیل یا بهانه‌ها، اشکال و روش‌های مختلف سعی می‌کند مانع قدرتمند شدن ایران شود. از جمله‌ی این ابزارها و روش‌ها، کنترل مراکز و حوزه‌هایی است که در زمینه‌ی جذب دانشجو و مغزهای متفکر کشورها در سطح بین‌الملل فعالیت می‌کنند و در تشدید و ترغیب پدیده‌ی «فرار مغزها» نقش به‌سزایی دارند.

یک تهدید خوش خط و خال

ما در اقدامی اشتباه اسامی دانشمندان هسته‌ای خود را برای دریافت گواهینامه‌ی «آی.اس.آی» در اختیار بیگانگان قرار می‌دهیم و منابع و مشخصات شخصیت‌های علمی خود را آن‌هم در حوزه‌ای قدرت ساز و برتری دهنده برای کشور، وابسته به موسسه‌ی مذکور می‌کنیم! به بیان دیگر، در حوزه‌ی علمی جنگی جدی با دشمن داریم که ابزار آن، ظریف، از جنس علم و با رویکردی دو گانه «زشت و زیبا» است. ظاهر زیبا و جذاب آن جنبه‌ی علمی بودن و باطن و جلوه‌ی زشت آن اسیر نمودن منابع و محققین علمی کشور است.

دشمن با ایجاد تسهیلات ارتباطی و شبکه‌های اطلاعاتی، به منظور جذب نخبگان ملی و نیروهای متخصص کشور، تلاش‌های جدی و گسترده‌ای را سازماندهی می‌کند و در این راه از ضعف‌ها و خلاءهای همچون «ارزیابی بومی منابع علمی کشورها» نیز بهره می‌گیرد. به عنوان مثال امروز به غلط در کشور ما و بسیاری کشورهای دیگر، مرسوم شده که صاحبان مقالات علمی کشور، برای دریافت تأییدیه و رتبه‌ی علمی، باید مقاله‌های خود را در «آی،اس،آی» به چاپ برسانند! موسسه اطلاعاتی «Institute for Scientific Information» در سال ۱۹۶۹ توسط یوجین گارفیلد تأسیس شد. بانک اطلاعات ISI، ظاهراً مرکزی برای فهرست نمودن و پوشش دادن مجلات علمی منتشره در دنیا به منظور تبادل اطلاعات میان پژوهشگران مختلف است. عناوین مجلات ISI ثابت نیست. یک مجله ممکن است در یک زمان، از مجلات ISI محسوب شود، اما به دلیل کاهش بار علمی، بعداً از این فهرست کنار گذاشته شود. در حال حاضر بیش

از ۱۶۰۰۰ مجله، در لیست ISI قرار دارند. هر ساله ۲۰۰۰ مجله جدید مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و حدود ده درصد آن‌ها به فهرست ISI اضافه می‌شوند. هر مجله علمی قبل از انتخاب و فهرست شدن در ISI، مراحل ارزیابی را پشت سر می‌گذارد. متأسفانه در حال حاضر ارتقای سطح دانش علمی، پژوهشی و تحقیقاتی اساتید دانشگاه‌های کشورمان منوط به چاپ مقالاتی از آنان در نشریات تخصصی غربی است. این بدان معناست که تولید علم کشور را وابسته به صدور گواهینامه‌های این موسسه کرده‌ایم. متأسفانه در کشور ما علناً بخشنامه شده که هر کس می‌خواهد مقاله‌ی علمی تولید کند، هر کس می‌خواهد دکتر بشود، هر کس می‌خواهد ارتقا علمی پیدا کند، هر کس می‌خواهد به مدارج علمی بالا دست یابد، باید مقالات خود را در «آی. اس. آی» به چاپ برساند!

در واقع مؤسسه‌ی مذکور با پایش و رصدی که در حوزه‌ی منافع علمی کشورها صورت می‌دهد به وضوح در جریان تولیدات ناب علمی کشورها قرار می‌گیرد، چپستی و چگونگی دستیابی به آن را ارزیابی می‌کند، نویسنده و محقق آن را شناسایی می‌کند و حتی المقدور جذب می‌کند. پدیده‌ای که از آن با عنوان «فرار مغزها» یاد می‌شود. اگر تولید دانش کشوری مثل ایران در حوزه‌های برتری‌ساز باشد، قطعاً آن را تحمل نکرده و نه تنها چنین مقالاتی را به چاپ نمی‌رساند، بلکه با انواع روش‌ها و اقدامات، با نویسنده‌ی آن برخورد حذفی می‌کند، ترور شهید شهریار، شهید علی محمدی و شهید مصطفی احمدی روشن از سوی عوامل استکبار و مוסاد در این راستا قابل تأمل است. منظور از فرار مغزها «Brain Drain» در واقع، فرار سرمایه‌های انسانی است، سرمایه‌هایی که با صرف هزینه‌های گزاف همچون علم، تخصص، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت‌ها و نهایت، انضباط که به وسیله آموزش و

بهداشت در نیروی کار ذخیره می شود به دست می آید و موجب افزایش بهره‌وری آن در تولید می شود. بنابراین، منابع انسانی مانند دانشمندان، مهندسان، متخصصان، نیروی کارآ و منابع سازمانی و نهادی به عنوان سرمایه‌های انسانی تلقی می شوند و فرار این نیروها به آن معناست که جامعه از علم، تخصص و مهارت‌های آنان محروم می ماند. ارائه‌ی اینگونه مقالات پژوهشی، علمی و کاربردی در حوزه‌های مختلف علوم پایه، علوم انسانی و ... به نشریات مذکور و درج آن سبب می شود نام مولف یا محقق و گردآورنده در فهرست این موسسه قرار گیرد. از سویی اگر مقاله‌ای به رغم برخورداری از محتوای غنی علمی و تخصصی مورد تأیید دست اندکاران این گروه نشریات قرار نگیرد، صلاحیت علمی و تخصصی این گروه از اساتید مورد تردید قرار می گیرد! به بیان دیگر، باید اذعان داشت براساس قوانین و آئین نامه‌های مرتبط با ارتقای سطح علمی اساتید دانشگاه‌ها و نخبگان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از یک طرف به راحتی مقالات، نوشته‌ها و تراوشات ذهنی متفکران و نخبگان ایران اسلامی در اختیار غرب قرار می گیرد و از طرف دیگر صاحبان فکر و اندیشه برای اینکه در داخل کشور به سطوح علمی دست پیدا کنند باید با چاپ مقاله‌ای تخصصی، حتما در فهرست این موسسه قرار گیرند! امروز چه بسا مقالات ارزشمند در حوزه علوم اسلامی و تحلیل انقلاب اسلامی توسط دانشمندان و اساتید ایرانی برای چاپ به مجلات خارجی سپرده شده است. اما به دلیل این که مقاله مورد نظر با سیاست‌های گردانندگان نشریه هماهنگ نبوده، به چاپ نرسیده و نویسنده مقاله به این دلیل که در فهرست قرار نگرفته، از کسب امتیاز و سطح ارتقای علمی و پژوهشی در داخل کشور محروم گردیده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند از چنین فرآیندی باید به عنوان «استعمار نوین در عرصه‌ی علمی» نام برده شود.

اسامی چند تن از دانشمندان برجسته یا هسته ای جهان عرب را که نقش موساد در ترور آنها ثابت شده عبارتند از:

- ۱) یحیی امین المشد (دانشمند مصری)
- ۲) سمیره موسی (دانشمند هسته ای مصر)
- ۳) سمیر نجیب (دکتری فیزیک هسته ای)
- ۴) نبیل القلینی (دکترای فیزیک هسته ای)
- ۵) نبیل احمد فلیفل (دانشمند هسته ای فلسطین)
- ۶) علاوه دکتر مصطفی علی مشرفه (معروف به اینشتاین جهان عرب)
- ۷) دکتر جمال حمدان
- ۸) دکتر سلوی حبیب
- ۹) دکتر سعید سیدبدر
- ۱۰) دکتر رمال حسن رمال (فیزیکیان لبنانی)
- ۱۱) حسن کامل صباح (فیزیکیان لبنانی، معروف به ادیسون امت عرب)
- ۱۲) دکتر تبعه سعودی
- ۱۳) و...

وقتی کشوری، دانشی تولید می کند، این تولید تبدیل به فناوری و فناوری نیز ثروت و قدرت تولید می کند. کشوری که به چنین ثروت و قدرتی دست می یابد، به دو گونه می تواند عمل کند؛ یا دستاوردهای علمی را در جهت منابع خود به کار می گیرد و باعث رفاه و آسایش مردم می شود یا در راستای سلب منابع دیگران عمل می کند، که در این صورت برای دیگران تولید تهدید می کند. با نگاهی به عملکرد دشمنان کشورمان به ویژه آمریکا، ملاحظه می شود که محور و

ذات تهدیدات این کشور، فناورانه و دانش پایه است. چنین ویژگی، دشمن را قادر می‌سازد که با بهره‌گیری از فناوری‌های همچون «سنجش از راه دور»، جزئیات جغرافیا و تأسیسات زیربنایی کشورها را مراقبت و رصد نماید و با ابزار فناوری در حوزه‌های هدف، نفوذ کند.

تهدید بزرگ «آی.تی»

دشمن با سیاست‌های تشویقی و ترغیبی اغواگرانه‌ای که در حوزه‌ی توسعه‌ی «آی.تی» به‌وجود آورده، باعث شده همه از توسعه‌ی افراطی آن لذت ببرند. «آی.تی» بی در و پیکری که تمام امورات کشور بدان وابسته شود و فاقد هر نوع استحکام، امنیت، پایداری و خودکفایی در برابر تهدیدات باشد جز افزایش ضریب



آسیب پذیری در مواقع بحرانی نتیجه‌ای ندارد و در واقع خود از ابزار تهدید محسوب می‌شود. همه از «آی.تی» لذت می‌برند چرا که قدرت و سرعت پردازش اطلاعات را افزایش داده، مرزهای جغرافیایی را شکسته، فاصله‌های ارتباطی و اطلاعاتی را از بین برده و ... این‌ها از جمله مزایای «آی.تی» است. ولی این پدیده، معایبی نیز دارد. «آی.تی» پدیده‌ای چند وجهی یا حداقل دو وجهی است؛ وجه خدمات رسانی و وجه تهدیدزایی. لذا در استفاده از «آی.تی» باید هر دو وجه آن مد نظر قرار گیرد. همچنین، میزان تهدیدات «آی.تی» در کشورهای مختلف به تناسب میزان وابستگی زیرساخت‌های کشور به آن، از شدت و ضعف و ابعاد متفاوتی برخوردار است. به عنوان مثال از جمله مهمترین تهدیدات «آی.تی» در اروپا می‌توان از: سرقت اطلاعات، انتشار ویروس‌ها، عملکرد هکرها، هرزنامه‌ها، خرابکاری‌های نرم افزاری و سخت افزاری، حملات سایبری با انگیزه‌های مالی، جاسوس افزارها، مهندسی اجتماعی و ... نام برد.

جنگ سایبری

امروزه در تهدیدات «آی.تی» از مفهومی به نام جنگ سایبری نام برده می‌شود که در واقع جلوه‌ی خشن «آی.تی» زیباروست. جلوه‌های زیبای «آی.تی» تمامی محصولات و حوزه‌های خدمات الکترونیکی کشور از جمله؛ تلویزیون، اینترنت، رایانه، تلفن‌های ثابت و سیار و سایر محصولات از این دست را در بر گرفته است. اما مصادیق چهره‌کریه، خشن و زشت «آی.تی»، جنگ سایبری است که سرقت اطلاعات، اختلال در تولید و توزیع اطلاعات، توقف عملیات، تخریب و تحریف اطلاعات و ... از جمله تأثیرات مخرب آن می‌باشد و بعضاً دارای اثراتی حتی

خطرناک تر از بمب اتم است.

برای تفهیم جنگ سایبری ابتدا باید فضای سایبری و عناصر آن را ادراک نمود. سایبر (Cyber) پیشوندی برای اسامی متعدد و متنوعی است که همگی براساس گسترش روزافزون علوم رایانه پدید آمده‌اند. اغلب عناصر درگیر با اینترنت نیز با این پیشوند قابل تشریح می‌باشند. اولین اصطلاح در این وادی Cyber Space می‌باشد یا همان فضای سایبری است. استعاره‌ای برای تشریح سرزمین غیر فیزیکی تشکیل شده توسط سیستم‌های رایانه‌ای. گستره‌ی فضای سایبر نیز همچون فضای واقعی دارای عناصر و اشیاء خاص خود است: فایل‌ها، پیغام‌های الکترونیکی، عکس‌ها و ... این فضا دارای مدل‌های انتقالی و حمل و نقل نیز می‌باشد، سیر و گشت بر خلاف فضای حقیقی در فضا و سرزمین سایبری بدون هیچ گونه حرکت فیزیکی و تنها با حرکت موشواره یا فشردن کلیدی در صفحه کلید و ... مقدور است. امروزه با ساخت کارخانجات و تسلیحات جدید مبتنی بر علوم سایبری، زیر ساخت‌های کشورها از راه دور مورد حمله و انهدام قرار می‌گیرد. و نوعی ابتکار جدید در تهدید و تهاجم محسوب می‌شود.

در همین رابطه «جوزف نای» نظریه پرداز «قدرت نرم»، سخنرانی با عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱» ایراد کرده که در آن به حوزه‌ها و چارچوب‌های جدیدی از تهدیدات نرم علیه ایران اشاره کرده است.

جوزف نای تئوریسین جنگ نرم و دیپلماسی عمومی در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ در جلسه‌ی شورای فرهنگی انگلیس با عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱» سخنانی را ایراد کرده که در بخشی از آن به کاربردهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. وی اظهار می‌دارد: «استفاده‌ی نابجا

از قدرت سخت، نسل جوان ایران را به آغوش نظام باز می گرداند، باید با قدرت نرم منافع خود را در ایران دنبال کنیم»

بنابراین وقتی تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران، علمی و دانش پایه است در این صورت برای تحقق دفاع همه جانبه از انقلاب و دستاوردهای آن، تجهیزات و تسلیحات نظامی (هر چند در جاهایی ممکن است کاربرد داشته باشند ولی اساساً برای مقابله با چنین تهدیدی) فاقد کارایی است، چرا که وقتی تهاجم از جنس علم بود، دفاع نیز باید دفاع علمی و فناورانه باشد تا اثربخش و کارآمد باشد. امروز، بسیج متخصصین، بسیج کارمندان، بسیج دستگاه‌های اجرایی که در حوزه‌های مختلف، وظایفی برعهده دارند، نباید با بسیج پایگاه‌های مقاومت خلط شوند. آن‌ها نباید همچون بسیج پایگاه‌ها، در پی سنگر زدن و ایست بازرسی و جلسات عادی بسیج باشند. هر کدام باید وظایف و تکالیف جداگانه‌ای داشته باشند کما این که دارند.

بسیج و دفاع غیرعامل

بسیج در شش محور تخصصی در ارتباط با موضوع دفاع غیرعامل فعالیت دارد: **تهدیدشناسی: اولین محور تخصصی کارکرد بسیج، تهدیدشناسی، به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی است.** به عنوان مثال بسیج در جهاد کشاورزی باید گروهی از متخصصین را به گونه‌ای سازماندهی کند که در ارتباط با تهدیدات بیولوژیکی، هر کس در کشور سوال، ابهام یا اطلاعات دقیق و به‌روز خواست، سراغ این گروه سازمان یافته بیاید، در سایر حوزه‌های نیز به همین شکل باید عمل شود.

نگاه بسیج به حوادث، رویدادها و پدیده‌ها نباید نگاهی عادی و معمولی

باشد. امروز بسیج، در کشور پیشتاز است و رسالت دفاع همه جانبه بردوش دارد. بنابراین تهدیدشناسی، گام اول برای دفاع می باشد و تا تهدید و ابعاد و ماهیت آن شناسایی نشود نمی توان دفاع قابل قبول و موثری صورت داد. تشکیل کمیته ها و کارگروه های تخصصی در دستگاه و نیز نشست ها، همایش ها و هم اندیشی های تخصصی و بهره گیری از شخصیت ها و نشریات علمی و ... می تواند به تحقق این موضوع کمک کند. رادارهای بسیج باید همواره فعال و هر لحظه تمامی حوزه ها و موضوعات را تحت پوشش موثر قرار دهد.

مشاوره تخصصی: دومین محور تخصصی که بسیج باید در آن ایفای نقش نماید ارائه ی مشاوره های تخصصی پدافند غیرعامل است. مقام معظم رهبری فرمودند در اجرای امورات اجرایی کشور صرفا به شبکه ی اداری کشور اکتفا نکنید بلکه از شبکه ی بسیج نیز استفاده کنید. یعنی هر کس در هر پست و مقام و مسئولیتی که هست و به حسب تخصص، تجربه، تحصیلات، هوش و استعداد و ...، به موضوعاتی و موارد قابل توجهی در حوزه ی تخصصی خود برای مقابله با تهدیدات و کاهش آسیب پذیری ها برخورد کرد باید بتواند آن را برای به نتیجه رساندن به بسیج ارجاع دهد و لذا بسیج به صورت شبکه ای پویا و فعال، باید تمامیت سازمان ها و وزارتخانه ها را از عملکرد تخصصی و خبرگی خود منتفع سازد و با شناسایی و جذب نخبگان و خبرگان علمی، شبکه ای از مشاوره های تخصصی و کارشناسی شده ارائه نماید و اول کسی باشد که تهدیدات دستگاه ها را به موقع شناسایی می کند.

آموزش: بسیج باید در ارائه و انجام آموزش های تخصصی در موضوعات و حوزه های مرتبط با هر دستگاه، سرآمد و پیشتاز باشد. و این موضوع غیر از

آموزش‌های نظامی است. این آموزش‌ها در حوزه‌های پدافند غیرعامل است. آموزش‌های پدافند غیرعامل می‌تواند بصورت آموزش‌های طولی که به مقطع تحصیلی می‌انجامد مثل کارشناسی ارشد دکتری و یا آموزش‌های عرضی در حین خدمت باشد که می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های بسیج یا تربیت‌مربی و پرورش نیروی انسانی مجرب، آحاد مردم را در این حوزه آموزشی داد. از طرف دیگر می‌توان به آموزش وظایف عدیده‌ایی که کارکنان و بسیج در طرح‌های دفاع غیرعامل بعهده دارد را آموزش داد. که در واحدهای نظامی به آن آموزش یگانی نیز می‌گویند.

فرهنگ‌سازی پدافند غیرعامل: در این محور با استفاده از ظرفیت‌های بسیج که بیشتر شامل منابع انسانی مومن، (با انگیزه)، انقلابی، متفکر، اجرایی و ... می‌باشد می‌بایست در محورهای پدافند غیرعامل نسبت به فرهنگ‌سازی در جامعه و فضای اداره اقدام کند این اقدامات شامل موارد زیر است:

۱. تولید دانش اولیه پدافند غیرعامل
 ۲. نشر و توسعه دانش پدافند غیرعامل
 ۳. آموزش و انتقال به نسل‌های جدید
 ۴. تبلیغ، و ارائه مفاهیم دفاعی پدافند غیرعامل
 ۵. تکرار و تبدیل این مفاهیم به معارف عملی جامعه
- طبیعتاً در کار فرهنگی بایستی از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها ظرفیت‌ها و سایر نکات هنری با استفاده هوشمندانه از ابزارها و تکنیک‌های هنری و انتخاب مفاهیم مناسب با ذائقه جامعه هدف و مخاطب، تأثیرگذاری و بهره‌مندی فرهنگ‌سازی را افزایش داد که این در هنر مردان و زنان بسیجی این سرزمین می‌باشد.

مشارکت در مدیریت بحران هر حوزه: بسیج و بسیجی مرد میدانهای

سخت و بحرانی است. در شرایط بحرانی است که مرد از نامرد تشخیص داده می‌شود و عیار واقعی انسان‌ها معلوم می‌شود لذا بسیج در شرایط بحرانی ناشی از تهدیدات خارجی که احتمال دارد که بعضی عناصر آمادگی مدیریت بحران لازمه را نداشته باشند این نیروهای سازماندهی شده و آموزش دیده و مانور کرده و آماده بسیج است که با داشتن سازوکار فرماندهی در صحنه می‌تواند به مدیریت بحرانی هر حوزه حداکثر کمک و مساعدت را بنماید از این رو این آمادگی‌ها بایستی در بسیج ایجاد شود.

مانور و آمادگی

کسب آمادگی، محور بعدی است. بسیج، در هر دستگاهی باید از آمادگی لازم برای پاسخ‌گویی و مقابله با تهدیدات احتمالی در حوزه‌های مرتبط برخوردار باشد. به عنوان مثال، در خصوص اقدامات دفاع غیرعامل در وزارت نیرو، موضوع برگزاری مانورهایی به منظور ایجاد آمادگی و شناسایی مواد آلاینده و بیماری زای آب در دستور کار قرار گرفت و این که این وزارتخانه در حداقل زمان ممکن باید قادر به شناسایی عوامل بیماری‌زا و نیز خنثی‌سازی آن‌ها باشد. لذا برگزاری چنین مانورهایی که موجب افزایش ضریب آمادگی دستگاه‌ها می‌شود، از جمله وظایف بسیج است. یعنی از جمله مهمترین وظایف بسیج در وزارت نیرو، برگزاری مانورهای تخصصی به منظور ایجاد آمادگی‌های لازم برای کنترل، پاکسازی، تصفیه و توزیع آب سالم است.

سازماندهی مضاعف نیروهای بسیجی:

سازماندهی مضاعف نیروها به منظور استمرار و تداوم خدمات در زمان بحران، محور بعدی فعالیت‌های بسیج است که از سایر محورها مهم‌تر و حیاتی‌تر است. بدین معنا که به عنوان مثال اگر در یک شرایط بحرانی، برج مراقبت پرواز یکی از فرودگاه‌های کشور دچار حادثه‌ی شدیدی شود، (مثلاً کارکنان برج در اثر بمباران یا ... مجروح شوند یا بنا به هر دلیل دیگری نتوانند خدماتی ارائه دهند) در این صورت بسیج باید قادر باشد برای کنترل فضای هوایی کشور، با سازماندهی نیرویی که از قبل تدارک دیده است، گروه‌های مناسب را به سرعت، جایگزین نیروهای مصدوم و مجروح نماید. به گونه‌ای که فضای هوایی کشور در هیچ شرایطی از کنترل خارج نشود. این موضوع، مصداق دیگری از همان دفاع همه جانبه‌ای است که مدنظر مقام معظم رهبری است.

همکاری با حراست

کمک به حراست دستگاه‌ها در برقراری امنیت هر بخش در شرایط بحرانی از دیگر محورهای فعالیت بسیج در حوزه‌ی دفاع غیرعامل و از اساسی‌ترین وظایف بسیج است که عمده‌تاً به اداره‌ی کشور در شرایط تهدید باز می‌گردد. بسیج ظرفیت و نیرویی است تمام نشدنی، بی‌بدیل و ارزشمند که می‌تواند همه‌ی مشکلات کشور را با روحیه بسیجی حل نماید.

این محورها به عنوان مهم‌ترین کارکردهای بسیج، بین سازمان پدافند غیرعامل و سازمان بسیج به توافق رسیده و توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

و رئیس کمیته‌ی پدافند غیرعامل کشور به تمامی دستگاه‌ها ابلاغ شده است. در واقع بسیج با چنین مأموریتی (چه در استان‌ها و چه در دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها) عضو شورای پدافند غیرعامل محسوب می‌شود.

بنابراین امروز شاهد دفاع تخصصی بسیج در حوزه‌ی مأموریتی وزارتخانه‌ها و ادارات کشور هستیم. هر چند بسیج، دفاع سنتی را نیز در صورت نیاز، در حد ممکن برعهده دارد. شاید حداکثر نیروی انسانی مورد نیاز برای رزم، دویست هزار نفر باشد و با در نظر گرفتن لایه‌های احتیاطی به یک میلیون نفر افزایش یابد. در این صورت از ده میلیون نفر نیروهای بسیجی کشور، نه میلیون نفر بقیه باید در سایر حوزه‌ها دفاع کنند. امروز چرخش تهدیدات در حوزه‌های دیگر بسیار جدی است، لذا دفاع همه جانبه در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها باید صورت بگیرد و بسیج، تنها نهادی است که چنین مأموریت و رسالتی برعهده دارد. کلیه‌ی نیروهای بسیج اعم از فرماندهان یا سایر نیروها باید به این نوع دفاع، مسلط و مشرف باشند و با ابزار، ادبیات، فنون و تخصص‌های آن به خوبی آشنا باشند.

امروز نیروهای بسیج دستگاه‌ها در مقطع کارشناسی ارشد در گرایش پدافند غیرعامل، مشغول تحصیل هستند که به صورت علمی و دقیق، قادر به ارائه‌ی نظرات کارشناسی در حوزه‌های مربوطه می‌باشند.

فهرست منابع

اسکویی، رحیم زاده، کدو کاوی مقدماتی در زمینه تکنولوژی، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

بیانات حضرت امام خمینی (قدس سره)، صحیفه نور
 بیانات مقام معظم رهبری در بیعت بسیجیان نمونه با ایشان، ۶/۴/۶۸
 بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و بسیجیان، ۲۷/۸/۷۱
 بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان، ۳/۹/۷۳
 بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان، ۵/۹/۷۶
 بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با سپاهیان و بسیجیان، ۲/۹/۷۷
 بیانات مقام معظم رهبری در جشن بزرگ منتظران ظهور، ۳/۹/۷۸
 بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ بسیجیان، ۲۹/۷/۷۹
 بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع خانواده های شهدای اراک، ۲۴/۷/۷۹
 بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان رشت، ۱۲/۲/۱۳۸۰
 بیانات مقام معظم رهبری در جمع نخبگان علمی، ۱۴/۷/۸۹
 پیام مقام معظم رهبری به خانواده های شهدا، ۲۳/۶/۶۸
 حاتمی، حسین، اپیدمیولوژی بالینی بیوتروریسم، گروه آموزشی بیماری های عفونی و گرمسیری علوم پزشکی کرمانشاه
 دستورالعمل اجرای پدافند غیرعامل در تهران بزرگ، معاونت زیربنایی سازمان پدافند غیرعامل، ۱۳۸۸

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران برای ۱۴۰۴
 سند راهبردهای سازمان پدافند غیرعامل کشور، روابط عمومی سازمان، ۱۳۸۸
 علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۷
 کالینز، جان ام، استراتژی بزرگ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰

کنت بلانکارد، محمدرضا آل یاسین، سیری در کمال فردی، انتشارات هامون.
 میرعلی محمدنژاد و ...، فرهنگ استراتژی، نشر سنا، تهران، ۱۳۷۸.
 نوروزی، محمدتقی، فرهنگ دفاعی، امنیتی، مرکز مطالعات و پژوهشی های مدیریت، تهران، ۱۳۸۵.